

بررسی خطبه امام حسین^(ع) در منزلگاه بیضه براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

قاسم عزیزی مراد^۱، فاطمه سادات حسینی^۲، سید محمدعباس حسینی^۳

چکیده

خطبه خوانی های اهل بیت^(ع) در موقعیت های مختلف سیاسی و اجتماعی همواره دربردارنده معارف عمیق و اهداف خاص بوده است؛ لکن برای فهم بهتر این خطبه ها می توان از روش های نقدی معاصر از جمله روش تحلیل گفتمان انتقادی بهره گرفت. پژوهش پیش رو درصدد است تا با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، خطبه امام حسین^(ع) را در منزلگاه بیضه (از توقف گاه های مسیر مکه تا کوفه) مورد واکاوی قرار دهد. مخاطبان امام در این منزلگاه که بعد از منزلگاه شراف بوده، حرّریا حی و یارانش بوده اند. ضرورت انجام این پژوهش، لزوم بازخوانی متون کهن با روش های نقدی معاصر برای کسب شناختی جامع تر از آن ها است. این پژوهش در پی پاسخ گویی به این پرسش است که شاخصه های خطبه امام حسین^(ع) در منزلگاه بیضه از منظر نظریه تحلیل گفتمان فرکلاف کدامند؟ نتایج به دست آمده از رهگذر این تحقیق نشان می دهد که امام از امکانات زبان به منظور تأثیرگذاری در مخاطب نهایت بهره را برده است. همین آیات قرآن، احادیث معصومین و رخداد های تاریخی در ایجاد آن نقش داشته اند تا منجر به تغییر و نوسازی در سازمان فکری، فرهنگی و سیاسی جامعه شوند.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، فرکلاف، خطبه امام حسین^(ع)، منزلگاه بیضه.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی. دانشگاه تهران. تهران. ایران. (نویسنده مسئول). Ghasem.azizi@ut.ac.ir.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد. رشته زبان و ادبیات عربی. دانشگاه تهران. تهران. ایران. Fatemehsadathosseini733@gmail.com.

۳. طلبه سطح یک. حوزه آیت الله بهجت. قم. ایران. smohammadabbashosseini@gmail.com.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

۱. مقدمه

از عناصر اصلی در برنامه رسالت پیامبران و جانشینان آن‌ها، تبلیغ دین بوده است. امام حسین^(ع) به عنوان وصی پیامبر، بعد از برادرشان امام حسن^(ع) وظیفه رهبری و هدایت جامعه را بر عهده داشتند. نمایان‌ترین بخش حیات امام حسین^(ع) نزد مسلمانان و غیرمسلمانان، عاشورا و ابعاد مختلف آن است. ایشان و اهل بیتشان در طول قیام عاشورا با اقداماتی مانند خروج از مکه به کوفه، ایراد سخنرانی و احتجاج‌های متعدد و غیره به روشنگری پرداختند. از برجسته‌ترین اقدامات تبلیغی امام حسین^(ع)، خطبه خوانی در مکان‌های مختلف بوده است. در این بین، خطابه‌هایی که هنگام خروج از مکه قبل از رسیدن به کربلا ایراد شده‌اند، در کنار خطابه‌های عاشورایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا با بررسی آن‌ها می‌توان به بازخوانی علل و اهداف قیام عظیم عاشورا پرداخت. به عبارتی می‌توان گفت این خطبه‌ها معتبرترین سند برای واکاوی حقایق نهفته در تاریخ عاشورا هستند.

مسیر مدینه تا کربلا، مرحله‌ای از حرکت اعتراضی امام حسین^(ع) را شکل داده است. امام در این مسیر از منزلگاه‌هایی عبور کرده‌اند که نهایتاً به کربلا ختم شد. طی این مسیر، ایشان برای روشنگری و دست‌گیری از شیعیان‌شان با افرادی ملاقات کرده و سخنرانی‌هایی ایراد فرموده‌اند؛ سخنرانی‌هایی که منجر به متنبه شدن فطرت‌های خفته زنگارگرفته در اعماق وجود برخی از مخاطبان گردید. محتوای اظهارات امام حسین^(ع) در این مسیر عموماً بر محور تبیین انگیزه قیام، تشریح موقعیت بنی‌امیه، شناساندن خود و خاندانشان در جایگاه زعیمان الهی جامعه به مردم بوده است. مطالعه و بررسی سخنرانی‌ها و نامه‌های امام حسین^(ع) در مسیر مکه تا کربلا می‌تواند در آشنایی با اهداف و انگیزه‌های قیام عاشورا کمک‌کننده باشد. امام حسین^(ع) در منطقه «بیضة»

با سپاه کوفه برخورد کردند و یکی از خطبه‌های معروف خویش را برای سپاه حرّ ایراد فرمودند که به «خطبه بیضه»^(۱) مشهور است. در این منزلگاه نافع بن هلال و بریر بن خضیر برخاستند و ضمن خطابه‌هایی نصرت و حمایت خویش را از آن امام ابراز کردند.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است که سخنرانی امام در منزلگاه بیضه در آیین نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، دارای چه ویژگی‌هایی است؟ در راستای پاسخ به این پرسش، باید به پرسش‌های فرعی زیر نیز پاسخ دهیم:

۱. شاخصه‌های بلاغی و صوری خطبه در سطح توصیف کدامند؟
۲. بافت موقعیتی و بینامتنی خطبه در سطح تفسیر چگونه است؟
۳. تأثیر گفتمان حاکم بر خطبه روی افراد جامعه، آینده آن و حاکمیت چگونه است؟

۲-۱. فرضیه‌ها

این پژوهش بر فرضیه‌های زیر استوار است:

۱. اباعبدالله به عنوان عضوی از خاندان امرای کلام، مجموعه‌ای از شاخصه‌های زبانی و معنوی ادبی را متناسب با مقتضی حال مخاطبان در خطبه به کار برده‌اند.
۲. بافت موقعیتی خطبه، متناسب با جوّ حماسی و عاشورایی آن زمان و بافت بینامتنی آن متأثر از آیات قرآن و روایات معصومین پیش از ایشان است.
۳. گفتمان حاکم بر خطبه در پی بصیرت‌افزایی مسلمانان، القای نامشروع بودن حاکمیت بنی‌امیه بر جامعه و تنظیم حرکت مسیر آینده جامعه در صراط مستقیم است که به سعادت افراد منجر می‌شود.

۳-۱. اهمیت و ضرورت

ضرورت انجام این پژوهش این است که بازخوانی متون قدیمی با روش‌های نقدی جدید بسیار ثمربخش خواهد بود؛ زیرا منجر به احیا و به جریان افتادن دوباره آن متون در ذهن و اندیشه ادیبان و اندیشمندان معاصر، استخراج معارف نهفته در لایه‌های عمیق متن و در نهایت، کسب شناخت جامع‌تر و به‌روزتری از آن می‌گردد. اهمیت انجام پژوهش حاضر این است که ما را با ایدئولوژی حاکم بر ذهن امام و دغدغه‌هایشان در مسیر مدینه تا کربلا بهتر آشنا می‌کند.

۴-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌هایی درباره سخنان عاشورایی امام حسین^(ع) مرتبط با پژوهش کنونی انجام شده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. مقاله «تحلیل کنش گفتاری خطبه امام حسین^(ع) در روز عاشورا» (ایشانی و دلیر، ۱۳۹۵) که کنش‌های گفتاری موجود در خطبه آن حضرت را در روز عاشورا براساس تاریخ طبری بررسی و تحلیل می‌کند. مقاله «تحلیلی بر خطبه امام حسین^(ع) در شب عاشورا» (قادری، ۱۴۰۲) به فهم و تبیین علل، پیام‌ها و درس‌های نهفته در خطبه امام حسین^(ع) در شب عاشورا می‌پردازد. مقاله «بصیرت‌آفرینی در کلام امام حسین^(ع): شرح خطبه منای اباعبدالله الحسین» (حدادپور جهرمی، ۱۳۹۳) که محتوای خطبه امام حسین^(ع) را در سرزمین مناکه در جمع رجال دینی و سیاسی جهان اسلام ایراد شده است، تحلیل می‌کند. مقاله «مؤلفه‌های تربیتی انسان با تأکید بر تربیت اخلاقی در خطبه‌های امام حسین^(ع) در واقعه عاشورا» (باطنی و همکاران، ۱۴۰۲) که با رویکرد گراند تئوری به دنبال استخراج مؤلفه‌های تربیتی از خطبه‌های امام در واقعه عاشورا و کاربرست آن در نظام تعلیم و تربیت است. مقاله

«تجلی بیان قرآن در خطبه‌های امام حسین (ع)» (اسدی، ۱۳۸۹) که به تطبیق بیانات آن حضرت در نهضت کربلا با مبانی قرآن می‌پردازد. طبق بررسی‌های انجام‌شده، تاکنون تحلیل خطبه امام حسین (ع) در منزلگاه بیضه با روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف انجام نشده است؛ لذا پژوهش کنونی پژوهشی بدیع است.

۱-۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر آن است تا با شیوه انتقادی و با ابزارهای نظریه تحلیل گفتمان فرکلاف، نقش امکانات زبانی به کار گرفته شده در متن، نقش آن‌ها در سازماندهی و نقد حاکمیت بنی‌امیه را بررسی کند. بدین منظور در سطح توصیف مدل‌های نحوی به کار گرفته شده بررسی خواهند شد تا مبنای سطوح دیگر در فرایند تحلیل گفتمان قرار داده شوند.

۲. چارچوب نظری

امروزه از پربسامدترین روش‌های تحقیق کیفی در علوم انسانی، روش تحلیل گفتمان انتقادی^۱ است. این روش نسبت به دیگر روش‌های تحقیقی، مزیت‌هایی دارد و روشی نسبتاً جامع محسوب می‌شود. از جمله اینکه به بررسی ظاهر اثر ادبی می‌پردازد و آن را واکاوی می‌کند؛ اما صرفاً به آن اکتفا نکرده و لایه‌های عمیق‌تر از جمله اسکلت تاریخی گفتمان حاکم بر اثر ادبی، ظرف موقعیتی که اثر در آن شکل گرفته و در نهایت انعکاس گفتمان حاکم بر متن را در سطح افراد جامعه، آینده و حاکمیت مورد بررسی قرار می‌دهد.

گفتمان^۱ شکلی از عمل اجتماعی است که منطق بین رویداد خاص و استدلالی را با موقعیت‌ها، نهادها و ساختارهای اجتماعی که چارچوب آن رویداد استدلالی است، شکل می‌دهد. گفتمان اجتماعی و مجموعه‌ای اجتماعی به منزله شرایط، اشیا، دانش، هویت فردی اجتماعی و روابط میان مردم است (سرایی و همکاران، ۱۳۷۸: ۸۶). گفتمان‌ها مجموعه کدهایی هستند که پیرامون یک نقطه قانونی تثبیت شده‌اند و هویت خود را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها کسب می‌کنند. معنا و مفهوم انسان از واقعیت گفتمانی است (مریدی و تقی‌زادگان، ۱۳۹۱: ۳۰).

تحلیل گفتمان، مطالعه زندگی اجتماعی از طریق مطالعه زبانی با توجه به محتویات گفت‌وگوها، متن‌ها و مضامین دیگر مانند موسیقی‌ها، نقاشی‌ها و مانند آن، استخراج و تحلیل معانی آن‌ها با توجه به بافتی است که در آن‌ها وجود دارد. به بیانی دیگر، تحلیل گفتمان به طور مستقیم به مقاصد و انگیزه‌های افراد در گفت‌وگو کاری ندارد؛ بلکه به دنبال آن است که عقیده‌ها، بینش‌ها و نقش‌ها را در درون متن مشخص کند (میرزایی، ۱۳۷۵: ۱۲). «تحلیل گفتمان انتقادی، روندی تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعات زبان‌شناختی است که از توصیف صرف داده‌های زبانی فراتر می‌رود و فرایندهای ایدئولوژیک مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان را در کانون توجه خود قرار می‌دهد. در این رویکرد گفتمان گونه مهمی از عملکرد اجتماعی است که دانش هویت‌ها و روابط اجتماعی از جمله مناسبات می‌بخشند» (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۱۲۸). «هدف از تحلیل در نظریه تحلیل گفتمان انتقادی، یافتن ایدئولوژی در پس متون است تا ناگفته‌های گوینده و نویسنده روشن گردد» (ون‌دایک، ۱۳۸۳: ۴). اصل راهبردی در تحلیل گفتمان این است که برای فهم واقعی گفتمان و اجرای آن علاوه بر دانستن

قواعد گفتمان، راهبردهای ذهنی و تعاملی مناسب نیز برای پژوهشگر جهت ساخت اهداف ارتباطی و اجتماعی لازم است (همان: ۱۸).

«نورمن فرکلاف^۱ برای تحلیل متون و حرکت از متن به جامعه برای فهم ساختار حال کلان و تحلیل انتقادی گفتمان، مدلی سه سطحی شامل توصیف، تفسیر و تبیین را مطرح می‌سازد. در سطح توصیف متن، براساس مؤلفه‌های زبان شناختی خاص موجود در گفتمان (واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله) توصیف می‌شود؛ در سطح تفسیر به روابط موجود بین فرایندهایی که باعث تولید و درک گفتمان مورد نظر می‌شوند و تأثیر انتخاب‌هایی که در پیکره گفتمان از لحاظ واژگان ساخت و غیره اتفاق می‌افتد، می‌پردازد و در نهایت در سطح تبیین به توضیح تأثیر گفتمان خاص در چارچوب عمل اجتماعی می‌پردازد» (ملک مرزبان و میلادی، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

با توجه به توضیحاتی که ارائه گردید، سخنرانی‌ها و خطبه‌خوانی‌های اهل بیت (ع) مخصوصاً آن دسته از سخنرانی‌هایی که در موقعیت‌های حساس سیاسی-اجتماعی مانند غدیر، مباهله و عاشورا و در خصوص چالش‌های جامعه مانند ماجرای غارات در دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع) ایراد شده‌اند، انتخاب‌های مناسبی برای بررسی با روش تحلیل گفتمان انتقادی خواهند بود؛ زیرا با توجه به اینکه ایرادکنندگان این خطبه‌ها فرمانروایان بی‌رقیب عرصه سخنوری هستند^(۲)، بررسی آن‌ها در سطح توصیف نظریه شایسته توجه است. از آنجا که بستر ایراد این خطبه‌ها بسترهای خاص اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده و تمام معصومین انوار واحدی هستند که هم واحد هدایت بشر به سرمنزل سعادت حقیقی را داشته و گفتمان سخنانشان متأثر از یکدیگر

است، بررسی کلام آنان در سطح تفسیر نظریه، در دو بخش بافت موقعیتی و بینامتنی پربار خواهد بود. همچنین با توجه به این که اسلام دینی برای هدایت ابدی همگان تا پایان تاریخ است، خطبه خوانی های اهل بیت که «ساسة العباد» هستند، دارای برد تاریخی گسترده و بازخوردهایی سرنوشت ساز در سطح افکار عمومی مسلمانان، آینده آن ها و حاکمیت جامعه شان خواهد بود. در نتیجه بررسی سخنرانی هایشان در سطح تبیین این نظریه، منجر به کسب شناخت جامع تری نسبت به تاریخ اسلام و درک بهتر پیام های نهفته در خطبه ها می شود.

۳. سطح توصیف

فرکلاف در سطح توصیف به بررسی شاخصه های صوری و بلاغی متن می پردازد و صرفاً به ظاهر متن اکتفا می کند. در سطح توصیف، متن به نوعی توصیف فرمالیستی^۱ می شود. در این سطح پژوهشگر باید امکانات زبانی استفاده شده در متن را توصیف کند تا مبنای تحلیل در سطوح دیگر قرار گیرد.

۳-۱. بررسی جملات

این خطبه مجموعاً مشتمل بر ۴۴ جمله است. بیشتر جملات، به شکل فعلیه و درصد قابل توجهی به شکل مثبت به کار رفته اند و تعداد جملات منفی کم است. در بررسی وجوه جملات نیز وجه غالب، خبری و سپس انشائی است. جزئیات بررسی جملات به شرح زیر است:

ساختار جملات	۲۹ جمله فعلیه	۱۵ جمله اسمیه	*
منفی یا مثبت بودن افعال	۳۹ جمله مثبت	۵ جمله منفی	*
وجوه جملات	۲۳ وجه خبری	۴ وجه شرطی	۵ وجه انشائی
انواع وجوه انشائی	سه وجه دعایی	یک وجه ندا	یک وجه قسم

جدول ۱: بررسی جملات

۲-۳. صنایع ادبی

در این بخش، به بررسی صنایع لفظی و معنوی به کاربرده شده در خطبه پرداخته می‌شود. در این خطبه، امام از دو صنعت معنایی و سه صنعت لفظی برای زینت بخشی به کلام و القای بهتر معانی بهره برده‌اند.

۱-۲-۳. تناسب: آرایه تناسب از جمله صنایع معنوی است که در بیشتر متون و اشعار به کار می‌رود. در این صنعت دو واژه به کار می‌رود که به لحاظ معنایی با هم متناسب و مرتبط هستند. اگر تعداد این واژه‌ها از دو واژه بیشتر شود، آنگاه از آن به مراعات نظیر تعبیر می‌شود. در متن خطبه امام حسین(ع) شش تناسب وجود دارد که عبارتند از: اِثْم و عدوان/ فعل و قول/ آب و آخ/ کتب و رسل/ نفس و اهل/ عهد و بیعة.

۲-۲-۳. تضاد: درباره تضاد گفته شده ضد یکدیگر بودن و مخالف هم بودن. از لحاظ فلسفی یعنی اجتماع دو مفهوم که در یک جا ممکن نباشد و در علم بدیع با نام مطابقه به معنای آوردن دو چیز متقابل مانند سود و زیان در کنار هم است (حصارکی و گذشتی، ۱۳۹۰: ۱۰۸). در متن خطبه امام(ع) چهار بار آرایه تضاد به کار رفته است: حرام و حلال/ شیطان و رحمان/ لزمو و ترکوا/ أحلّوا و حرّموا.

۳-۲-۳. اشتقاق: مبحث اشتقاق از شاخه‌های علم صرف و واژه‌شناسی است و به معنای پدید آوردن بعضی از کلمه‌ها از کلمه‌های دیگر و ارجاع آن‌ها به اصل واحدی بوده که مشخص‌کننده منشأ و ریشه آن‌هاست. این اصل هم نشان‌دهنده معنای مشترک و اصلی کلمه‌ها و هم گویای معنای اختصاصی و جدید آن‌هاست (مشاعی، ۱۳۷۹: ۱۴۷). در متن خطبه ۷ مورد اشتقاق مشاهده می‌شود که از ریشه واحد چندین کلمه آورده شده است:

ریشه مشترک	مشتقات
دخل	یدخله / مدخله
حلل	أحلّوا / حلال / مستحلا
حرم	حرّموا / حرام / حُرّم
فعل	فعل / لم تفعلوا / فعلتموها
غرر	مغرور / اغترّر
نکث	نکث / ینکث

جدول ۲: اشتقاقیات خطبه

۳-۲-۴. ترصیع: ترصیع در لغت به معنی قرینه بودن دانه‌های ریز و درشت مروارید در دو سوی گردنبند و در بلاغت از آرایه‌های لفظی است که مبنای آن بر سجع یا هماهنگی کلمات استوار است. تساوی کامل الفاظ یک عبارت با عبارت دیگر را به لحاظ وزن و قافیه ترصیع می‌نامند (محمدی و حاجی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳۱). در کلام امام در سرزمین بیضه، یک مورد آرایه ترصیع در دو جمله «لزموا طاعة الشیطان و ترکوا طاعة الرحمان» (نجمی، ۱۳۶۰: ۱۵۶) به کار رفته است. امام با گفتن این کلام، اوج گمراهی

و انحراف دستگاه حاکم را بیان می‌کنند که حاکمان امت اسلامی که باید در مسیر حاکمیت نبوی حرکت کنند، پای بند اطاعت از شیطان شده و اطاعت از فرامین الهی را رها کرده‌اند.

۳-۲-۵. تکرار: صنعت تکرار یکی از صنایع ادبی است که در آن شاعر یا نویسنده برای مهم نشان دادن و برجسته‌سازی یک مفهوم یا ایجاد موسیقی در کلام، لفظی را چند بار تکرار می‌کند. برخی بلاغیون با توجه به کاربرد این صنعت در کلام خداوند، آن را نیکو می‌شمارند و گاهی نوعی تکلف به حساب می‌آورند. به طور کلی می‌توان گفت تکراری ستوده است که از نظر بلاغی هدف‌مند و در موسیقی کلام موثر باشد (نک. صابری، ۱۳۹۱: ۳۸ تا ۴۲). در متن خطبه، کلمه الله ده بار، رسول دو بار و طاعة نیز دو بار تکرار شده است.

۴. سطح تفسیر

سطح تفسیر روابط موجود بین فرایندهایی را بررسی می‌کند که باعث تولید و درک گفتمان مورد نظر می‌شود. به عقیده فرکلاف تحلیل در سطح تفسیر براساس پیش‌فرض‌های مبتنی بر دانش زمینه‌ای مخاطبان است. لذا در این مرحله تحلیل گفتمان به تحلیل فرایندهای شناختی شرکت‌کنندگان و تعاملات میان آن‌ها می‌پردازد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). در سطح تفسیر دو مقوله بررسی می‌شود: بافت موقعیتی و بینامتنیت.

۴-۱. بافت موقعیتی: بررسی بافت موقعیتی شکل‌دهنده اثر در تحلیل متون مختلف، اهمیت زیادی دارد؛ زیرا هر متن زائیده شرایط خاصی است و بسترهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فکری مختلف، گفتمان‌های متفاوتی را تولید می‌کنند. لذا بررسی بسترهای شکل‌گیری اثر به ما کمک می‌کند تا به فضای واقعی که متن در

آن شکل گرفته، نزدیک تر شویم و دیدگاهی جامع تر به گفتمان متن مورد مطالعه داشته باشیم. منظور از بافت، تمام شرایط زمانی، مکانی، زبانی و غیر زبانی است که متن در بستر آن شکل می گیرد (پاشازانوس و جعفری، ۱۳۹۴: ۴۵). خطبه امام در منزلگاه بیضة و در شرایطی ایراد شده است که امام از مبدأ مکه به مقصد کوفه در حرکت بوده اند. مخاطبان خطبه حرّ ریاحی و سربازان جنگجویش بوده اند که برای بار سوم مورد خطاب امام قرار گرفته اند. آن ها در شرایطی که در منزلگاه شراف که قبل از بیضة واقع شده، با امام مواجه شده اند، در آن هنگام که به دستور امام به سربازان حر و حتی حیواناتشان آب آشامیدنی داده می شود و سیراب می گردند، از امام عطوفت دیده اند. تا اینکه در نهایت، نماز ظهر و عصر را پشت سر امام به جماعت می خوانند و دو قافله به موازات هم حرکت می کنند تا به بیضة می رسند (نجمی، ۱۳۸۵: ۱۴۳ تا ۱۵۶). شرایط مقدماتی قبل از وصول به بیضة تا حدودی حر و سپاهیان را نسبت به امام و یارانش نرم کرده و زمینه پذیرش را در آن ها ایجاد کرده بود. مشارکان اصلی گفتمان امام در بیضة عبارتند از: خداوند متعال به عنوان کسی که توسط بنی امیه و اعوانش مورد عصیان قرار گرفته، شیطان به عنوان کسی که معبودشان بوده، دعوت کنندگان از امام یعنی همان کسانی که برای امام نامه نوشتند و از ایشان دعوت کردند به عنوان علت اصلی حرکت و آمدن امام از مکه که حر از آن ها ابراز بی اطلاعی کرد، پیامبر^(ص) و علی^(ع) و فاطمه^(س) به عنوان خانواده امام که دال بر حقانیت و تقدس امام هستند و در نهایت مسلم بن عقیل به عنوان شخصیتی که از جانب سربازان بنی امیه و مردم مورد بی وفایی و خیانت قرار گرفته و به شهادت رسیده است. خطبه در شرایطی شکل گرفته که بصیرت افزایی و روشنگری فریب خوردگان توسط بنی امیه، آوردن آن ها به راه حق و اتمام حجت بر دشمنان از اهداف اصلی امام بوده است. امام در سراسر مسیر

مکه تا کربلا به دنبال این بودند که نامشروع بودن حاکمیت بنی امیه و ظالم بودن سران آن را به سپاهیان آن‌ها و مردم بفهمانند.

۲-۴. بینامتنیت: بینامتنیت یکی از پدیده‌های نوظهور نقد ادبی معاصر است که روابط یک متن با سایر متون را تبیین می‌کند. بینامتنیت به تعامل، تأثیر و تأثر بین متون می‌پردازد و به عبارت دقیق‌تر، محل تلاقی و تقاطع متون با یکدیگر است. از این منظر متن به منزله یک واحد معنایی باز بوده که با دیگر متون در ارتباط است و بدین وسیله با تأثیر از آن‌ها به خود هویت می‌بخشد (درک زهی ۱۳۹۳: ۴۶۳). در بیانی دیگر بینامتنیت یعنی تشکیل متنی جدید از متون گذشته یا خلاصه‌ای از متون که تنها تأییدی از آن باقی مانده است. با توجه به این رویکرد، متن ادبی نتیجه افکار اصیل یک مؤلف نیست؛ بلکه برگرفته از متون گذشتگان است. در نتیجه هر متنی متشکل از چندین نقل قول است (میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۰۰).

در این بخش به بررسی اسکلت تاریخی متن و مواردی که در ایجاد آن تأثیر مستقیم و غیر مستقیم داشته است، پرداخته می‌شود. امام خطبه را با سخنی از رسول اکرم (ص) آغاز می‌کنند: «أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ» (نجمی، ۱۳۶۰: ۱۵۶). استفاده امام از این حدیث برای این است که لزوم قیام خویش و مشروعیت آن را برای مخاطب تبیین کنند. امام در ادامه خطبه خود را الگویی برای مخاطبان معرفی می‌کنند: «نَفْسِي مَعَ أَنْفُسِكُمْ وَأَهْلِي مَعَ أَهْلِكُمْ، فَلَكُمْ فِي أُسْوَةٍ» (همان) که جان من با جان‌های شماست و خانواده من با خانواده‌های شما هستند. پس در من برای شما نمونه و الگو وجود دارد. از ویژگی‌ها و امتیازات ادیان

الهی این است که در کنار تعیین اهداف عالیه برای انسان‌ها و ترسیم مسیر تحقق آن اهداف، الگویی عینی و ملموس نیز به آن‌ها معرفی می‌کنند تا با در نظر گرفتن سیره عملی این الگوها و اقتدا به آن‌ها، راحت‌تر به اهداف عالیه دست پیدا کنند. به عبارتی، وجود اسوه در تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب نقش تسهیل‌گری ایفا می‌کند. این بخش از کلام امام متأثر از گفتمان قرآن کریم در سورة احزاب در معرفی الگو است؛ آنجا که پیامبر اکرم (ص) را به عنوان الگویی برای مسلمانان معرفی می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱).

امام در ادامه خطبه می‌فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ نَقَضْتُمْ عَهْدَكُمْ وَ خَلَعْتُمْ بَيْعَتِي مِنْ أَعْنَاقِكُمْ فَلَعَمْرِي مَا هِيَ لَكُمْ بِنُكْرٍ، لَقَدْ فَعَلْتُمُوهَا بِأَبِي وَ أَخِي وَ ابْنِ عَمِّي مُسْلِمٍ» (نجمی، ۱۳۶۰: ۱۵۶)؛ یعنی «اگر چنین نبودید و پیمانتان را شکسته‌اید و از بیعت خویش با من دست کشیده‌اید، به جانم سوگند، این رفتار از شما ناشناخته (و عجیب) نیست! چراکه شما با پدر و برادر و پسرعمویم مسلم، همین‌گونه رفتار کردید.» در این قسمت امام بازگشت به عقب داشته‌اند و گفتمانشان متأثر از سلسله‌ای از اتفاقات تاریخی بوده که در گذشته رخ داده است. نخست ماجرای شهادت امام علی و حسن (ع) که در دوران جوانی امام حسین (ع) رخ داده که در ایجاد آن‌ها نیز جهل، بی‌بصیرتی و بی‌وفایی مسلمانان نقش محوری و کلیدی داشته است. اتفاق دیگر که با فاصله زمانی اندکی از ایراد خطبه امام در بیضة رخ داده، شهادت مسلم بن عقیل (ع) است. امام به این سه رخداد تاریخی برای نشان دادن بی‌وفایی، خیانت‌پیشگی مردم و دور از ذهن نبودن وقوع فاجعه‌ای عظیم‌تر از اتفاقات تلخ گذشته با توجه به گمراهی حاکم بر جامعه استناد کرده‌اند. هدف امام از یادآوری عملکرد ننگین کوفیان در

گذشته نه چندان دور این است که آن‌ها را آگاه و اشتباهاتشان را یادآوری کنند تا شاید این تذکر به کوفیان سود رساند، سرنوشتشان را تغییر دهد و مانع تکرار خیانت پیشگی و بی‌وفایی نسبت به اهل بیت پیامبر^(ص) شود.

امام کلامشان را این‌گونه ادامه دادند: «وَالْمَغْرُورُ مِنْ اِغْتَرَّ بِكُمْ، فَحَظُّكُمْ اَخْطَاكُمْ وَ نَصِيْبُكُمْ ضَيَعْتُمْ» (همان: همان جا) یعنی «فريب خورده كسى است كه فريب شما را بخورد. (در واقع اين شماييد كه) همای سعادت را از دست داده و بهره خویش را تباه ساخته اید.» امام حسین^(ع) در این بخش از خطبه، متأثر از کلام امیر مؤمنان در خطبه ۲۹ نهج البلاغه هستند که فرمودند: «الْمَغْرُورُ وَاللَّهِ مَنْ غَرَّتْهُ وَ مَنْ فَازَ بِكُمْ فَقَدْ فَازَ وَاللَّهِ بِالسَّهْمِ الْأَخْيَبِ وَ مَنْ رَمَى بِكُمْ فَقَدْ رَمَى بِأَفْوَقِ نَاصِلٍ.» (نهج البلاغه، خطبه: ۲۹). خطبه ۲۹ نهج البلاغه بعد از شکست کوفیان در جنگ با معاویه و غارت کاروان حجاج بیت‌الله الحرام توسط ضحاک بن قیس ایراد شده است. در دو سال آخر حکومت حضرت علی^(ع)، معاویه تخریب‌ها و غارت‌هایی در قلمروی حکومت حضرت به شکل پراکنده انجام می‌داد. هدف او، به هم ریختن آرامش و نظم اجتماعی بود. در زمان ایراد این خطبه، معاویه ضحاک بن قیس را مأمور به غارتگری کرد و دستور داد در جایی توقف نکند. ضحاک در راه به کاروانی از بیت‌الله الحرام برخورد کرد که رئیس آن، برادرزاده عبدالله بن مسعود، صحابه بزرگ پیامبر^(ص) بود. ضحاک او را به قتل رسانید و مردم به خاطر تبلیغات رسانه‌ای معاویه، به زمین چسبیده بودند و حرکتی از خود نشان ندادند (بحرانی، ۱۴۱۷: ۲/ ۱۰۷). امام خطاب به کوفیان فرمودند: «به خدا سوگند فريب خورده، آن كس كه به گفتار شما مغرور شود، كسى كه به اميد شما به سوي پیروزی رود، با كندترین پيكان به میدان آمده است و كسى كه بخواهد دشمن را به وسیله شما هدف قرار دهد، با تیری شكسته تیراندازی کرده است.»

امام حسین^(ع) سخنانشان را این‌گونه ادامه داده و به پایان می‌رسانند: «مَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ سَيُعَذِّبُ اللَّهُ عَنْكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» (نجمی، ۱۳۶۰: ۱۵۶). در بخش آخر کلام امام دو تأثیرپذیری از قرآن کریم مشاهده می‌شود. یکی عبارت مَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ که امام آن را خطاب به کوفیان پیمان‌شکن فرمودند. به این معنا که پیمان‌شکنی هر کس، تنها به ضرر خودش است. این عبارت در قرآن کریم آمده است: إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسْئُوتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (فتح/۱۰). عبارت سیغنی الله عنکم که امام آن را در ادامه فرمودند، برخاسته از ایمان راسخ امام و تأثیرپذیری ایشان از آیات قرآن کریم است: ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (تغابن/۶). در این آیه بیان شده است که پیامبران با نشانه‌های آشکار برای هدایت مردم آمدند، لکن مردم نپذیرفتند و کافر شدند و از پیامبران رویگردانی نمودند. خدا نیز پیامبران را از مردم بی‌نیاز گردانید.

در بخش آخر خطبه، امام پس از روشننگری، تبیین وضع موجود جامعه و تشریح وظایف مردم در همراهی با اهل بیت پیامبر^(ع) به عنوان جانشینان برحق ایشان نه تنها با کوفیان که با کل تاریخ اتمام حجت می‌کنند که جریان حق‌خواهی و ظلم‌ستیزی ادامه خواهد یافت و خداوند نصرت خاصه‌اش را بر مجاهدان نازل می‌کند و هر کس عقب بماند، تنها به ضرر خود اوست. به عبارتی امام در پی القای این نکته هستند که قافله عاشوراییان معطل هیچ‌کس نمی‌ماند و در ظل عنایات خداوندی به مسیرش ادامه خواهد داد.

۵. سطح تبیین

مرحله تبیین نسبت به مراحل پیشین، در مرتبه‌ای عمیق‌تر قرار دارد؛ زیرا زوایای کاملاً پنهان تولید متن را بررسی می‌کند. مهم‌ترین مسئله در مرحله تبیین، بررسی چگونگی رابطه گفتمان حاکم بر اثر با قدرت و ایدئولوژی حاکم است. در این مرحله به این پرسش اصلی پاسخ داده می‌شود که آیا گفتمان موجود به دنبال حفظ وضعیت موجود سیاسی و تقویت ساختار قدرت بوده یا در پی تغییر وضعیت موجود است؟ هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، برگفتمان‌ها تأثیر می‌گذارند و اینکه گفتمان‌ها می‌توانند چه نوعی از تأثیرات بازتولیدی بر آن ساختارها بگذارند؛ تأییدی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند. به عبارت دیگر، در گذر از مرحله تفسیر به تبیین، توجه به این نکته حائز اهمیت است که بهره گرفتن از جنبه‌های گوناگون دانش زمینه‌ای، به عنوان شیوه‌های تفسیری در تولید و تفسیر متون، به بازتولید دانش یادشده خواهد انجامید که برای مشارکین گفتمان، پیامدی جانبی، ناخواسته و ناخودآگاه است. این امر، در واقع در تولید و تفسیر صدق می‌کند. بازتولید، پیونددهنده مراحل گوناگون تفسیر و تبیین است. همان‌گونه که تفسیر، چگونگی بهره جستن از دانش زمینه‌ای را در پردازش گفتمان مورد توجه قرار می‌دهد، تبیین نیز به شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه‌ای و بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵-۲۴۴).

تأثیر گفتمان حاکم بر خطبه امام در سرزمین بیضه در بازتولید دانش زمینه‌ای مخاطبان این است که ویژگی‌های حکومت ظالمانه و نامشروع را برای آن‌ها برمی‌شمارد تا بتوانند حاکمیت غیر الهی را از حاکمیت الهی تشخیص دهند. این

ویژگی‌ها عبارتند از: پادشاه در حاکمیت غیر الهی شخصی ستم‌کار است، پای‌بند به حرام و حلال‌های الهی نیست و از جانب خود حرام الهی را حلال کرده و محرمات خداوند را حلال می‌کند، عهدهای الهی را می‌شکند، با سنت‌های نبوی مخالفت می‌کند و در حق بندگان خداوند دشمنی و ظلم روا می‌دارد. بازخورد گفتمان خطبه بر ایدئولوژی حاکم بر جامعه به‌گونه‌ای است که از حاکمیت جامعه تقدس‌زدایی می‌کند و چهره واقعی آن را به مردم نشان می‌دهد. عموم مردم حاکمیت اموی را حاکمیت الهی و برخاسته از اراده خداوند می‌دانند، حال آن‌که امام با استدلال‌ات واضح شیطانی بودن آن را به همگان اثبات می‌کند. اثر گفتمان حاکم بر خطبه امام بر آینده جامعه این است که می‌خواهد آیندگان را با اهل بیت پیامبر همراه کرده و نسلی ظلم‌ستیز و انقلابی تربیت کند. تأثیر گفتمان خطبه بر نهادهای حاکم بر جامعه این است که با بیان غیر الهی بودن حاکمیت در صدد است تا نهادها را از همراهی با ظالمان بازدارد که به نوعی مشارکت در ظلم عظیم آن‌ها محسوب می‌شود. رابطه گفتمان حاکم بر خطبه با قدرت حاکم بر جامعه این‌گونه است که استقرار آن را کاملاً نامشروع و غاصبانه می‌داند و اشکالات اساسی آن را برمی‌شمارد. سپس با طرح فرستادن دعوت‌نامه‌های متعدد از جانب مردم، در پی فهماندن این نکته به حاکمیت است که مردم از ظلم آن‌ها به ستوه آمده و از آن بیزار شده‌اند و دیگر خواستار این حاکمیت نیستند؛ هرچند که با توجه به محدودیت‌ها و ستم‌کاری‌ها توان تحقق خواسته‌شان یعنی سرنگونی حاکمیت فعلی و استقرار حاکمیت الهی را ندارند.

۶. نتیجه‌گیری

برآیند مقاله حاضر به این قرار است: (۱) در سطح توصیف نظریه، درصد قابل توجهی از جملات خطبه اسمیه، به شکل مثبت و در وجه خبری به کار رفته‌اند. اسمیه بودن جمله‌ها به این معناست که امام درصدد بیان حقایق ثابتی هستند که زمان در آن‌ها دخیل نیست؛ گویی این حقایق در همه ازمه جاری است. امام به مقتضای حال از صنایع ادبی تناسب، تضاد، اشتقاق، ترصیع و تکرار بهره برده‌اند. از بین صنایع ادبی استفاده شده در خطبه به ترتیب صنعت اشتقاق و تناسب بیشترین فراوانی و تکرار و ترصیع کمترین فراوانی را دارند. (۲) در بررسی بافت موقعیتی این نکته استخراج گردید که سخنرانی امام در منزلگاه بیضه صحبتی تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز برای بسیاری از مسلمانان بوده است، هم آنان که به شکل گذرگاهی سخنان امام را شنیدند و هم آنان که جزء سپاهیان لشکر مقابل بوده‌اند. شنوندگانی که چشم و گوششان را بر کلام امام گشودند، به عاقبتی سعادت‌مندانه و آنان که چشم و گوششان را بر کلام امام بستند، به سرنوشتی شقاوت‌مندانه دچار شدند. (۳) در بررسی بینامتنیت خطبه، سه ارتباط با آیات قرآن، دو ارتباط با سخنان معصومین پیشین و سه اشاره به رخداد‌های پیش از ایراد خطبه کشف گردید. این بدان معناست که در شکل‌گیری سخنرانی امام، قرآن کریم، سخنان معصومین پیش از ایشان و رخداد‌های تاریخی نزدیک به آن ایفای نقش کرده‌اند. (۴) در سطح تبیین این نکته استخراج گردید که گفتمان حاکم بر خطبه، متعهد به ایجاد تغییراتی همه‌جانبه است که مکمل یکدیگرند؛ این تغییر از مردم جامعه شروع می‌شود، به اصلاح فکر و فرهنگ و تربیت مردم می‌پردازد و در نهایت به حاکمیت که کلان‌ترین و مهم‌ترین رکن جامعه است، می‌رسد. همین حاکمیت فعلی آن زمان را نامشروع و غیرالهی می‌داند و داعیه ایجاد حاکمیتی را دارد که موظف به پای‌بندی به احکام قرآن، سنت نبوی و سیره اهل بیت باشد.

۷. پی‌نوشت

(۱) «بیضة» نام یکی از منزلگاه‌های واقع در مسیر مدینه تا کوفه است که بین منطقه عذیب و واقصه قرار داشته و متعلق به بنی یربوع بوده است. بیضة به معنای زمین سفید هموار و بی‌گیاه است (محدثی، ۱۳۸۰: ۸۱). امام در این توقف‌گاه برای بار سوم با حر و لشکریانش سخن می‌گوید و به روشنگری می‌پردازد. ایشان قبل از این منزلگاه، در منزلگاه شراف بعد از نماز ظهر و عصر دو سخنرانی دیگر در مقابل حر و لشکریانش ایراد کرده‌اند (رک: نجمی، ۱۳۶۰: ۱۴۳-۱۵۰). متن خطبه امام حسین^(ع) در منزلگاه بیضة براساس آنچه در منابع مختلف آمده، به شرح زیر است:

«أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يَغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ». أَلَا وَإِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَتَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ وَأَظْهَرُوا الْفُسَادَ وَعَطَّلُوا الْحُدُودَ وَاسْتَأْثَرُوا بِالْفِئَةِ وَأَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ وَحَرَّمُوا حَلَالَ اللَّهِ وَأَنَا أَحَقُّ مَنْ غَيَّرَ. قَدْ أَتَيْتُنِي كُتُبُكُمْ وَقَدِمْتُمْ عَلَيَّ رُسُلُكُمْ بَيِّنَاتِكُمْ أَنْكُمْ لَا تُسَلِّمُونِي وَلَا تَخَذُلُونِي، فَإِنْ تَمَمْتُمْ عَلَى بَيِّنَاتِكُمْ تُصِيبُوا رُشْدَكُمْ، فَإِنَّا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَابْنُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، نَفْسِي مَعَ أَنْفُسِكُمْ وَأَهْلِي مَعَ أَهْلِيكُمْ، فَلَكُمْ فِي أَسْوَةِ إِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَنَقَضْتُمْ عَهْدَكُمْ وَخَلَعْتُمْ بَيْعَتِي مِنْ أَعْنَاقِكُمْ فَلَعُمْرِي مَا هِيَ لَكُمْ بِنُكْرٍ، لَقَدْ فَعَلْتُمُوهَا بِأَبِي وَأَخِي وَابْنِ عَمِّي مُسْلِمًا! وَالْمَعْرُورُ مِنْ اغْتَرَبَ بِكُمْ، فَحَظُّكُمْ أَخْطَأْتُمْ وَنَصِيبُكُمْ صَيَّعْتُمْ (فَمَنْ نَكَتْ فَإِنَّمَا يَنْكُتْ عَلَى نَفْسِهِ) وَسَيُغْنِي اللَّهُ عَنْكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» (الحسيني القزويني، ۱۴۳۲ق: ۱۰۳).

ای مردم! پیامبر خدا^(ص) فرمودند: «هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا

را حلال شمرده، پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده، در میان بندگان خدا به ستم رفتار می‌کند و او با زبان و کردارش با وی به مخالفت برنخیزد، سزاوار است خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر (دوزخ) بیندازد. هان ای مردم! این گروه (بنی‌امیه) به طاعت شیطان پای بند شده و از پیروی خداوند سرپیچی کرده‌اند، فساد را آشکار ساخته و حدود الهی را تعطیل کرده‌اند. آنان بیت‌المال را به انحصار خویش درآورده، حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام شمرده‌اند و من (که) فرزند رسول خدایم) به قیام برای تغییر این اوضاع، از همه کس سزاوارترم. نامه‌های شما به دستم رسید و فرستادگانتان. با خبر بیعت شما. به نزد آمدند (و گفتند): شما با من پیمان بسته که مرا در برابر دشمن تنها نخواهید گذاشت. اکنون اگر به بیعت خود وفادار ماندید، به رشد و کمال خود دست یافتید. من حسین بن علی^(ع) و فرزند فاطمه دختر رسول خدایم. من در کنار شما و خاندانم در کنار خاندان شما است. اسوه و الگوی شما من هستم و اگر چنین نبودید و پیمانتان را شکسته‌اید و از بیعت خویش با من دست کشیده‌اید، به جانم سوگند! این رفتار از شما ناشناخته (و عجیب) نیست. چراکه شما با پدر و برادر و پسرعمویم مسلم، همین‌گونه رفتار کردید. فریب‌خورده کسی است که فریب شما را بخورد. (در واقع این شما هستید که) همای سعادت را از دست داده و بهره‌ خویش را تباه ساخته‌اید. قرآن می‌فرماید: «هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است و به زودی خداوند مرا از شما بی‌نیاز خواهد کرد. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.»

(۲) إِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ وَفِينَا تَنْشَبَتْ عُرُوقُهُ وَعَلَيْنَا تَهَدَّلَتْ غُصُونُهُ (مجلسی، ۱۹۸۳: ۳۱/۲۴۵).

منابع

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) نهج البلاغه.
- (۳) بحرانی، ابن میثم (۱۴۱۷ق). شرح نهج البلاغه. ترجمه محمدی مقدم، قربانعلی و علی اصغر نوایی یحیی زاده. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- (۴) پاشازانوس، احمد و روح الله جعفری (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه زیاده بن ابیه معروف به الخطبة البتراء با استفاده از الگوی فرکلاف». پژوهش نامه نقد ادب عربی. دانشگاه شهید بهشتی. ش ۱۱. صص ۳۹ تا ۶۶.
- (۵) الحسینی القزوینی، عبدالکریم (۱۴۳۲ق). الوثائق الرسمية لثورة الإمام الحسين. كربلاء: قسم الشؤون الفكرية والثقافية في العتبة الحسينية المقدسة.
- (۶) حصارکی، محمدرضا و محمدعلی گذشتی (۱۳۹۰). «بازتاب تضاد در مثنوی». فصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادب فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد سنندج. س ۳. ش ۶. صص ۱۰۳-۱۲۴.
- (۷) درک زهی، عبدالله (۱۳۹۳). «بینامتنیت قرآنی در مقامات سیوطی». مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ. ج ۳. قم: همایش ملی بینامتنیت (التناس). صص ۴۶۳-۴۷۸.
- (۸) صابری، علی (۱۳۹۱). «صنعت تکرار: انواع و کاربردهای آن در بدیع». نشریه مطالعات نقد ادبی. دوره ۷. ش ۲۷. صص ۳۸-۵۱.
- (۹) فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- (۱۰) فقیه ملک مرزبان، نسرين و فرشته میلادی (۱۳۹۲). «نقد و تحلیل گفتمان نقشبندیه در غزل جامی براساس نظریه زبان شناختی فرکلاف و هلیدی». نشریه مطالعات

عرفانی. ش ۱۸. صص ۱۱۳-۱۴۶.

(۱۱) محدثی، جواد (۱۳۸۰). فرهنگ عاشورا. چ ۳. قم: نشر معروف.

(۱۲) محمدی، محمدحسین و میثم حاجی پور (۱۳۹۱). «تکامل ترصیع و موازنه، عنصری مهم در سبک شعری سده های سوم تا پنجم هجری». فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). س ۵. ش ۱. صص ۱۲۹-۱۴۶.

(۱۳) مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳ م). بحارالأنوار. بیروت: مؤسسة الوفاء.

(۱۴) مریدی، محمدرضا و معصومه تقی زادگان (۱۳۹۱). «گفتمان های هنر ملی در ایران». مطالعات فرهنگی و ارتباطات. س ۸. ش ۲۹. ۱۳۹-۱۶۰.

(۱۵) مشاعی، ناهید (۱۳۷۹). «درآمدی بر اشتقاق در زبان عربی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه خوارزمی. دوره ۸. ش ۳۱. صص ۱۴۵-۱۶۴.

(۱۶) میرزایی، خلیل (۱۳۹۵). کیفی پژوهی: پژوهش. پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی. تهران: نشر فوژان.

(۱۷) میرزایی، فرامرز و ماشاء الله واحدی (۱۳۸۸). «روابط بینامتنیتی قرآن با اشعار احمد مطر». نشریه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید باهنر کرمان. ش ۲۲. صص ۲۹۹-۳۲۲.

(۱۸) نجمی، محمدصادق (۱۳۶۰). سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.

(۱۹) ون دایک، تئون (۱۳۸۳). مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی. ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: مرکز مطالعات تحقیقات رسانه ها.

(۲۰) یورگنسن، ماریان و فیلیپس لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی